سبک روشنگری

۱۹ میلیون بازدیدکننده در ۲ هفته

«نامه حقیقت» را جوانان غرب همچنان می‌خوانند

■ زینب شکوهی طرقی

انتشار نامه دوم از سوی مقام معظم رهبری به مثابه تیری بود که دقیقاً به نشانه نشست. این نامه باعث شد فکر جوانان جوامع غربی و اروپایی به شدت درگیر محتوای آن شود. با نگاه به گوشه‌ای از بازتاب این نامه می‌توانیم به موارد مهمی دست پیدا کنیم. برای مثال لینک این نامه از طریق شبکه‌ها و سایت‌های برون مرزی سازمان صداوسیما در شبکه‌های مختلف اجتماعی طی دو هفته پس از انتشار آن ۱۹ میلیون بازدیدکننده داشته است. تیتزیانا چاواردینی محقق و مردم‌شناس از آن با عنوان «نامه حقیقت» یاد کرد. دنیس رنکورت، عضو هیئت علمی و استاد فیزیک دانشگاه اوتاوا نیز از نگاه جامع و روشنگرانه نامه مقام معظم رهبری اظهار شگفتی کرد. اخیراً در نشستی با حضور کارشناسان حوزه مجازی در محل دانشکده رسانه خبرگزاری فارس دکتر محمد قادری، کارشناس حوزه مجازی و از فعالان رسانه‌ای در پاسخ به پرسش‌های گزارشگر «جوان» درباره ابعاد بازتاب این نامه مهم، روش‌های انتشار آن، دلیل خوب دیده شدن نامه و مهم‌تر از همه موضوع خلأهای سبک زندگی غربی به عنوان دلیلی مهم در توجه جوانان غربی به نامه رهبر معظم انقلاب پاسخ گفت. آنچه در این صفحه می‌خوانید ماحصل همکلامی با دکتر قادری و همچنین گوشه‌ای از ابعاد و بازتاب‌های جهانی نامه مقام معظم رهبری است.

> **همه نگرانی غرب از معرفی اسلامی واقعی است که در کشور ما وجود دارد. غرب مدت‌هاست در کشور ما به دنبال نفوذ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی است. حالا این بار جهان با نامه رهبری مواجه شده است که همین پروژه قدیمی، نفوذ غرب را با مهندسی معکوس اجرا می‌کنند. این نفوذ در حقیقت نفوذ تفکر حقیقت، حقانیت و اسلام به جوامع غربی است. دقیقاً به همین دلیل جوامع و دولتمردان غربی یکدفعه ملتهب شدند**

هراس اسلام‌هراسان از روشنگری «نامه حقیقت»

نامه‌ای که رهبر معظم انقلاب برای دومین بار خطاب به جوانان اروپا و امریکا نوشتند حاوی نکات آموزنده بسیاری بود. نکته اول اینکه ایشان در این نامه با لحنی پیامبرگونه در راستای رسالت آگاهی‌بخشی و با بیان شفاف، حقایقی را که امروز در جوامع غربی رخ می‌دهد خطاب به جوانان غربی مطرح کردند. ایشان در این نامه به شکلی روشن و صادقانه مسائلی که توسط رسانه‌های نظام سلطه از منظر دیدگان جوان غربی پنهان مانده است را بیان کردند. جریان رو به رشد اسلام در منطقه خاورمیانه، اروپا و اقصی نقاط جهان و روند رو به رشد گرایش به اسلام حقیقی و اسلام ناب، نظام سلطه را بر آن داشت که چهره دروغین و غیرواقعی از اسلام را با استفاده از عناصر خودفروخته و تروریست‌ها در جهان به نمایش بگذارد. به دلیل اینکه جهان غرب به‌ویژه مسیحیان امروز به بن‌بست‌هایی در انگاره مسیحیت و تفکر لیبرال دموکراسی رسیده‌اند به دنبال این هستند که مسیر و راهی را پیدا کنند تا بتوانند از بن‌بست فعلی خارج شوند. دقیقاً به همین دلیل ما شاهد سیل روزافزون گرایش به اسلام حقیقی در جهان غرب هستیم و همین موضوع باعث نگرانی نظام سلطه شده و درصدد برآمده از هر روش ممکن اسلام هراسی را در جهان نهادینه کند.

نظام سلطه نهایت تلاشش را می‌کند حتی از نیرو و ظرفیت گرایش‌های اسلامی علیه اسلام پذیران واقعی استفاده می‌کند تا بتواند این دین را از مرکز توجه غربی‌ها خارج کند. در نتیجه می‌بینیم نظام سلطه به رهبری ایالات متحده امریکا و با کمک سرویس‌های اطلاعاتی اروپا، رژیم صهیونیستی و دست نشانده‌های منطقه‌ای مثل رژیم سعودی گروه‌های مختلف مسلمانان را با استفاده از پول، تجهیزات و نیروی انسانی به جان یکدیگر می‌اندازد. نظام سلطه نیابتا و کاملا حمایتگرانه طوری در منطقه و جهان رفتار می‌کند که چهره اسلام غیرمنطقی، وحشی و خونریز نشان داده شود. بنا بر همه این نکات، نامه رهبر معظم انقلاب در یک زمان حساس که افکار عمومی اروپا به‌ویژه فرانسه به دنبال این است که در مورد چیستی، چرایی و چگونگی یک اتفاق تروریستی بیشتر بداند منتشر می‌شود. در پشت پرده این نامه نه تنها یک چهره دقیق و حقیقی از اسلام معرفی می‌شود بلکه به ذهن پرسشگر غربی‌ها تأکید می‌کند که اتفاقات رخ داده نه تنها طبیعی نیست بلکه ناشی از مدیریت غیرمنطقی و سلطه‌گر حکام شماست.

نامه‌ای که حصار سانسورها را شکست

اولین دلیل استقبال از نامه مقام معظم رهبری مربوط به فضای حاکمی است که از سوی دولتمردان و نظام سلطه بر همه ارکان زندگی یک شهروند غربی اعمال شده است. فضایی که در حال حاضر پیرامون همه مردم غرب به‌ویژه جوانان وجود دارد؛ اعم از رسانه، اعتقادات، افکار و اندیشه، برخلاف شعارهای لیبرال دموکراسی غرب که می‌گوید نظامی مبتنی بر آزادی اندیشه و بیان را ایجاد کرده است، یک فضای کاملاً بسته، محدود و خفقانی است. منظور از غرب صرفاً اروپا و امریکا نیست، بلکه منظور من هر دولت و ملتی است که سبک زندگی غربی را برای خودشان انتخاب کرده‌اند مثل بعضی از کشورهای جنوب شرق آسیا که سبک زندگی غربی دارند. در حقیقت شهروند غربی با سبک زندگی‌ای که دارد دچار چرخه باطلی شده است که سرش به کار، شغل و زندگی روزمره خودش گرم است بدون آنکه بخواهد دنبال تعالی یا جهش روحی و معنوی باشد. چنین شهروندی در چنین فضایی اساساً اجازه ندارد در مواردی که برخلاف خواست دولتمردان و حاکمیت سیاسی است فکر یا رفتار کند. سرویس‌ها، بنگاه‌ها یا پیاده نظام رسانه‌ای غرب هم کاملاً در خدمت به چنین هدفی به کار گرفته شده است. تصور کنید براساس یک اتفاق در قلب اقتصادی امریکا جنبشی شکل گرفت به اسم جنبش ۹۹ درصدی که به اسم جنبش تسخیر وال استریت معروف شد. در این جنبش سه سوال مهم از دولتمردان و نظام حاکم امریکا پرسیده شد «چرا ما به عنوان حداکثر جمعیت باید ذیل تصمیم‌گیری‌ها، افکار و اندیشه‌های یک جمعیت جزء باشیم؟ چرا اجازه نداریم آنچه را که می‌خواهیم بدانیم؟ چرا آنچه دستاوردهای اقتصادی و تکنولوژی است فقط باید در اختیار گروه محدودی از مردم قرار گیرد؟». شکل‌گیری این جنبش و سؤال‌های مطرح شده در هدف آن نشان داد که در غرب رسانه‌ها به عنوان یک پوشش عمل می‌کنند. شهروند و جوان غربی در چنین شرایطی با سؤال‌های متعددی روبه‌رو می‌شود که هیچ کسی جواب قانع‌کننده‌ای برای آن ندارد.

پاسخ به خلأهای سبک زندگی غربی

نکته دومی که باعث شد «نامه حقیقت» مقام معظم رهبری تا این اندازه مورد استقبال قرار گیرد خلأهای موجود در سبک زندگی غربی است. تصور کنید یک شهروند غربی در سبک زندگی‌اش به چند هدف جزئی و مادی محدود شده است. شهروند غربی از صبح که بیدار می‌شود زندگی‌اش محدود به این است که کار کند، درس بخواند تا آخر هفته که با حقوق خود تعطیلاتی را بگذراند و هفته بعد دوباره همین قصه تکرار شود. در چنین شرایطی که روحیات و معنویات زندگی نادیده گرفته شده و همه چیز سانسور می‌شود تصور کنید کورسوی امیدی از دل اسلام با ویژگی پیامبرگونه و نجاتبخش در قالب یک نامه نمود و ظهور پیدا می‌کند. با این تفاسیر اگر ترفندهای رسانه‌ای غرب نبود بیشتر شاهد تأثیرگذاری نامه مقام معظم رهبری بودیم. همانطور که همه مطلع هستند بخش زیادی از موارد اصلی و مهم لینک نامه ظرف ۲۴ ساعت از خروجی رسانه‌ها و سایت‌ها حذف شد. با اینکه حجم وسیع سانسور را می‌بینیم اما از طرف دیگر استقبال گروه وسیعی از جوانان غربی نسبت به این نامه را شاهد هستیم.

اگر بخواهیم انتشار این نامه را با رویکرد ارتباطات تحلیل کنیم باید بگوییم وقتی رویدادی رخ می‌دهد مردم به‌دنبال رسیدن به پاسخ سؤالاتشان هستند، در این زمان به اولین و سریع‌ترین پاسخ اعتماد می‌کنند. دقیقاً در زمانی که جوامع غربی در اتفاقات رخ داده متحیر بودند و نمی‌دانستند چه شده است مقام معظم رهبری بسیار هوشمندانه یک نامه روشنگرانه منتشر می‌کنند. در این نامه نه تنها به سؤالات ذهنی مردم پاسخ داده شده، بلکه ایشان به تبیین زیبایی از دین اسلام هم پرداخته بودند. در این نامه مقام معظم رهبری به اقدامات دولتمردان غربی در راستای اسلام هراسی، مرعوب کردن اسلام و ترویج تروریسم اشاره می‌کنند و پیرو نامه اول که از جوانان غربی خواسته بودند خودشان در مورد اسلام تحقیق کنند و به نتیجه درست برسند در این نامه هم خط قبلی دنبال می‌شود. در نامه دوم به صراحت آمده اسلام واقعی، اسلام صلح است. نتیجه انتشار نامه اول و دوم این بود که عطش دانستن جوان غربی به این سمت هدایت شد که تا ۲۴ آذرماه ۱۹ میلیون نفر از لینک مستقیم این نامه بازدید کرده‌اند، بماند اینکه این نامه در سایت‌ها و لینک‌های غیرمستقیم هم به اشتراک گذاشته شده است.

در کنار همه این اتفاقات ما امروز می‌بینیم که فیس‌بوک، نامه مقام معظم رهبری خطاب به جوانان غربی را از صفحه روسی معاونت برون مرزی صدا و سیما حذف می‌کند. درنظر بگیرید که فقط در صفحه ترجمه شده به زبان روسی این نامه تا چه اندازه تأثیرگذار بوده که فیس‌بوک به ناچار این مطلب را حذف کرده است. بماند اینکه مشابه رفتار فیس‌بوک در سایر صفحات و شبکه‌های مجازی مانند توئیتر و یوتیوب هم اتفاق افتاد.

البته ترجمه شدن متن نامه به بیش از ۲۱ زبان زنده دنیا هم در این مقوله بسیار تأثیر داشت چون مخاطبان جوان غربی از هر زبان و ملیتی به راحتی توانستند به متن اصلی و ترجمه شده نامه دسترسی پیدا کنند.

در دنیای امروز اتفاقی که شاهد آن هستیم جنگ از نوع درگیری و فیزیکی و سخت نیست، بلکه وقتی صحبت از مقابله با اندیشه و فکر هست مهم‌ترین ابزار برای این نوع مقابله ابزار رسانه است که می‌توان بهترین استفاده را از آن کرد. فراموش نکنیم علاوه بر جایگاه مهمی که رهبر معظم انقلاب در میان مسلمانان جهان دارند به لحاظ شخصیتی، ایشان به عنوان یک اندیشمند و یک رسانه کامل و جامع هستند. نهایتاً این شد که در کنار نامه‌ای که از سوی چنین شخصیتی صادر شد جبهه‌ای از رسانه‌های اسلام حقیقی صف‌آرایی کرده و تلاش کردند حقیقت مطلق را به هدف اصلی مورد نظر رهبر که همان ذهن مخاطب و جوان غربی است برسانند.

نگاهی جامع با رویکردی روشنگرانه و فرهنگساز

یکی از ویژگی‌های کلام رهبری جامعیت آن است. هوشمندی و اشراف مقام معظم رهبری نسبت به همه زمینه‌های زندگی بی‌نظیر است. زمانی که رهبری از بومی‌سازی علوم انسانی صحبت کردند هیچ کس به ذهنش هم نرسیده بود که چنین مشکلی در سیستم آموزشی کشور ما وجود دارد. شما وقتی می‌خواهید از ارتباطات اسلامی، جامعه اسلامی، اقتصاد اسلامی و سیاست اسلامی نمونه‌ای در جهان اسلام بیاورید هیچ کسی را بهتر و مطمئن‌تر از مقام معظم رهبری نمی‌توانید پیدا کنید. وقتی این چهار قطب اصلی جامعه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند به این نتیجه می‌رسید که همه این عوامل در نامه‌های مقام معظم رهبری جمع شده‌اند و با رویکردی روشنگرانه و فرهنگساز بیان شده است.

غرب تا امروز بهترین و موفق‌ترین دانشی که روی آن کار کرده دانش هسته‌ای است. دانشی که ما مدت‌هاست به آن دست پیدا کرده‌ایم، اما تصور کنید دانش مهندسی اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی و مدیریت فکری مردم تا چه اندازه مهم است. در هر جامعه‌ای که باشیم دانش هسته‌ای، انرژی، اقتصاد و پیشرفت را برای چه می‌خواهیم؟ بدون شک برای «جامعه درست» می‌خواهیم؟ حالا درنظر بگیرید اگر خود این جامعه‌ای که این همه برایش تلاش می‌کنیم دچار مشکل باشد، تکلیف چیست؟ اینجاست که همه تلاش‌ها به فنا رفته است. مقام معظم رهبری دقیقاً همین هدف را نشانه رفته‌اند. نامه ایشان خطاب به جامعه‌ای است که به ظاهر از همه رفاه، فناوری، ثروت، قدرت و ابزار دنیا برخوردار است اما از مشکلات و مصائب اصلی مثل بی‌عدالتی، تبعیض و عدم آزادی بیان رنج می‌برد.

در غرب که ادعای آزادی بیان و عقیده دارد می‌بینیم قوانین منع حجاب، آزار مسلمانان و خفقان به راحتی اجرا می‌شود اما در ایران ما شاهد هستیم که همه مردم با هر دین آسمانی دارای حقوق اجتماعی و قانونی برابر هستند تا جایی که اقلیت‌های مذهبی کشور ما حتی در جایگاه‌های مهم کشور مثل مجلس شورای اسلامی نماینده خاص خود را دارند. ایران این روزها به مرکز گرد هم آمدن شیعه و سنی کنار یکدیگر تبدیل شده است، به طوری که برادران اهل تسنن ما کنار برادران اهل تشیع نماز می‌خوانند.

براساس سخنان مقام معظم رهبری ما این روزها باید برای جامعه، فکر و فرهنگ مردم تلاش کنیم. ایشان تاکید می‌فرمایند فکر نکنید نگرانی غرب از داشتن دانش هسته‌ای و اتمی ماست، نه نگرانی غرب از اشاعه تفکر ماست. حقیقت هم این است؛ جهان پر است از کشورهایی که پیشرفته‌ترین دانش هسته‌ای و اتمی را دارند، کره این روزها حتی در موضع تهدید هم قرار می‌گیرد پس چرا با او کاری ندارند؟ مشخص است، چون همه نگرانی غرب از معرفی اسلامی واقعی است که در کشور ما وجود دارد.

غرب مدت‌هاست در کشور ما به دنبال نفوذ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی است. حالا این بار جهان با نامه رهبری مواجه شده است که همین پروژه قدیمی، نفوذ غرب را با مهندسی معکوس اجرا می‌کنند. این نفوذ در حقیقت نفوذ تفکر حقیقت، حقانیت و اسلام به جوامع غربی است. دقیقاً به همین دلیل جوامع و دولتمردان غربی یکدفعه ملتهب شدند. بهترین راه این است که از ابزارهای نوین استفاده کنیم و مؤسسات فرهنگی دیجیتال، سایت‌ها و مراکز فرهنگی همه از جمله ظرفیت‌های موجود در کشور است که باید از آنها استفاده کرد.

نگاه

روایت اندیشمندان از کلمه‌های امیدبخش برای جوانان

سید علی عزیز، نامه شما را با شیفتگی تمام خواندم

■ حسین گل‌محمدی

مقام معظم رهبری درست زمانی که جوان غربی مصائب و مشکلات بیشماری را در جامعه خود مشاهده می‌کند نامه‌ای صمیمی و روشنگرانه به آنان می‌نویسند. جوان غربی می‌بیند که تفکر لیبرال دموکراسی غرب نتوانسته زندگی خوبی برایش رقم بزند، در عین حال می‌بیند که با بن‌بست‌های بیشماری در زندگی، کار و مسائل فکری‌اش مواجه شده است، در یک زندگی با وجود این همه بن‌بست و سؤالات بیشمار ذهنی یکدفعه نامه‌ای منتشر می‌شود و به مثابه این است که مسیر جدیدی پیش روی او باز شده است. این را فقط ما نمی‌گوییم بلکه واقعیتی است که اندیشمندان غربی نیز به آن اذعان می‌کنند.

■ نامه‌ای که «نامه حقیقت» نام گرفت

تیتزیانا چاواردینی، خبرنگار، محقق، مردم‌شناس فرهنگی و رئیس مجمع مردم‌شناسی آنسیس ایتالیا که بیش از ۱۲ سال در ایران زندگی کرده و نتیجه تحقیقات خود را در زمینه اسلام و ایران به مراکز پژوهشی بسیار مهم منتقل کرده، نامه مقام معظم رهبری را خوانده و بسیار تحت تأثیر قرار گرفته است. وی می‌گوید: ما در دوران غم‌انگیزی در اروپا به سر می‌بریم. رهبر معظم ایران با زبانی ساده و صمیمانه آنچه باعث ترس و وحشت ما شده است را بیان می‌کند. من اسم این نامه را «نامه حقیقت» می‌گذارم. تنها کسانی که در جهان امروز تمایلی به شنیدن حقیقت ندارند این نامه را بی‌معنا می‌خوانند. نامه دوم را می‌توان نسبت به نامه اول شفاف‌تر و با اهمیت‌تر خواند. اگر به واژگان و کلمات به کار رفته در نامه اول رهبری نگاهی بیندازیم می‌توانیم با چالش‌ها و درد و رنج هایی که بدان دچار هستیم روبه‌رو شویم. این نامه در تاریخ ثبت خواهد شد. در حالی که بیشتر سیاستمداران اروپا تلاش می‌کنند با اسلام‌هراسی و خلق یک دشمن مشترک، سیاست‌های خود را توجیه کنند، این نامه (نامه اول رهبر انقلاب) ابتکاری بزرگ بود. آیت‌الله خامنه‌ای پرده‌های ابهام را که رسانه‌های غربی برای پوشاندن واقعیت اسلام به کار می‌برند، کنار زد و اسلام واقعی را معرفی کرد. من این نامه را یک نامه «تاریخی» می‌دانم چراکه پیام آن همیشه در تاریخ خواهد ماند. در نامه دوم، رهبری ایران پیشنهادات و راهنمایی‌هایی را برای جوانان اروپایی داشتند که مایه آرامش آنان در این برهه حساس و وحشت‌آفرین جهان است، به ویژه برای ما در اروپا که در خانه خود از سوی تروریست‌ها هدف قرار گرفتیم. این نکته که ایشان درباره احساس پس از حوادث پاریس گفتند و اینکه امروز به خاطر این احساس ترس - از حملات تروریستی - آزادی گذشته را نداریم، بسیار نکته قابل توجهی بود؛ همانند ترسی که کودکان و مردم برخی کشورهای خاورمیانه هر روز آن را تجربه می‌کنند. اولویت رسانه‌های ایتالیا، چگونگی مقابله و کنترل ترس و وحشت موجود در جامعه است، اما برای جوانان این نکته اهمیت دارد که حقیقت اسلام چیست چراکه همچنان تفکیک درستی از اسلام و داعش در اروپا وجود ندارد. به همین دلیل برای کسی که مسلمان نیست، پذیرش این مطلب که اسلام دین صلح است، کار راحتی نیست. من شخصاً به عنوان یک خبرنگار این وظیفه را دارم که درباره اسلام اطلاعات درست را به مخاطبان برسانم. با خواندن این نامه می‌توانیم به راحتی دلیل حملات تروریستی را بفهمیم و ببینیم چه کسانی در پشت این حملات نقش دارند.

■ شگفتی استاد دانشگاه اوتاوا از «نامه حقیقت»

دنیس رنکورت، عضو هیئت علمی و استاد فیزیک دانشگاه اوتاوا یکی از کسانی است که در پاسخ به نامه دوم مقام معظم رهبری می‌نویسد: «سید علی خامنه‌ای عزیز؛ درست است که من از نظر سن و سال، جوان نیستم اما نامه ۲۹ نوامبر ۲۰۱۵ شما به جوانان غربی را با شیدایی و علاقه بسیاری خواندم. این نامه قلب و فهم مرا به هیجان آورد. ایران واقعاً از اینکه رهبری مانند شما دارد خوشبخت است. ما در کانادا فقط سیاستمداران کوچک دورو، مغرض و خودشیفته داریم که برای نفع شرکت‌های بزرگ و خواسته‌های ایالات متحده رقابت می‌کنند و کسانی که در رسانه ملی شعارهای کلیشه‌ای می‌دهند. من واقعاً از تحلیل عمیق روانشناسانه و ژئوپولیتیکال شما در مورد ریشه‌های تروریسم بین‌الملل قدردانی می‌کنم. من باور دارم که تفسیر شما به‌شکلی بنیادین صحیح است و من از ارتباطی که شما با این حقیقت برقرار کرده‌اید، شگفت‌زده‌ام. من امید دارم که جوانان غربی نامه شما را مطالعه کرده و به آن نگاهی واکاوانه خواهند داشت و امید دارم که این نامه بیداری قلب و ذهن غربی‌ها را سرعت می‌بخشد.»

■ مسیری روشن فراروی جوان سردرگم غربی

با توجه به آنچه گفته شد و در گفته‌ها و اظهارنظرهای اندیشمندان غربی نیز آمده است، جوان غربی با مطالعه این نامه احساس می‌کند مسیر جذاب و جالبی در زندگی‌اش گشوده شده است پس شیفته می‌شود و تلاش می‌کند که وارد این مسیر شود. از طرف دیگر دولتمردان غربی با دیدن این شیفتگی و توجه از سوی قشر جوان دچار وحشت می‌شوند که نکند ذهن این جوان با حقایق جهان اسلام آشنا شود؛ اینجاست که دولتمردان غربی بیکار نمی‌نشینند و دست به کار تشکیل داعش، ساخت برنامه‌ها و محتویات اسلام هراسی و اسلام ستیزی می‌شوند و دولتمرد غربی به هر ابزاری مثل تصویرسازی نادرست و خشن از اسلام متوسل می‌شود تا اسلام واقعی را به جوان غربی معرفی نکند.

> **جوان غربی این روزها متوجه شده است که زندگی‌اش در سیکل تکراری قرار گرفته که از صبح برود سر کار، درس بخواند، شب به خانه برگردد، خوشگذرانی کند و مسافرت برود. همین جوان امروز متوجه شده که سبک زندگی‌اش دچار چه مشکلات و نقیصه‌های اساسی است، پس وقتی با چنین نامه متفاوتی روبه‌رو می‌شود قطعاً می‌پسندد و پیگیر می‌شود**

یکی از ابعاد مهمی که در نامه مقام معظم رهبری به آن پرداخته می‌شود تأثیر آن درمیان جوانان غربی است که بخش عظیمی از این تأثیرگذاری ناشی از خلأهایی بوده که در سبک زندگی غربی وجود داشته و در این نامه به آنها پاسخ داده شده است.

با این توصیف به نظر می‌رسد بهترین سازوکاری که می‌شود به کار بست، معرفی کردن نواقصی است که در زندگی غرب دیده می‌شود. مشکلاتی که جوان غربی در سبک زندگی غربی با آن مواجه است یک یا چند مورد نیست، بلکه بی‌نهایت است. جوان غربی این روزها متوجه شده است که زندگی‌اش در سیکل تکراری قرار گرفته که از صبح برود سر کار، درس بخواند، شب به خانه برگردد، خوشگذرانی کند و مسافرت برود. همین جوان امروز متوجه شده که سبک زندگی‌اش دچار چه مشکلات و نقیصه‌های اساسی است، پس وقتی با چنین نامه متفاوتی روبه‌رو می‌شود قطعاً می‌پسندد و پیگیر می‌شود.

بی‌شک هیچ رسانه‌ای نباید دروغ بگوید، کافی است ما هرچه کمبود و مشکل در زندگی غربی وجود دارد را کامل و روشن بازگو کنیم. همچنین بیاییم برای کمک و راهنمایی کردن مردم غرب به ویژه قشر جوان که قشر عظیم هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد راهکارهای دینی و مؤثری را بازگو کنیم. برای رسیدن به یک سند معتبر از مجموعه راهکارها چه چیزی بهتر از دین آسمانی اسلام و چه آموزگاری بهتر از رهبری ایران سراغ دارید؟